

مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۳، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۳

شاپای الکترونیکی: ۲۴۹۵-۲۳۸۳

شاپای چاپی: ۲۵۱۴-۲۳۲۲

<http://jrtp.um.ac.ir>

بررسی و تحلیل سطح توسعه زیرساختی - خدماتی روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت

جعفر توکلی^{۱*} - علی اصغر میرک‌زاده^۲ - مراد ابراهیمی^۳

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۲- استادیار ترویج و توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ صص ۷۵-۸۴ تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۱/۲۱

چکیده

هدف: نابرابری‌های توسعه مناطق روستایی به‌ویژه در زمینه زیرساخت‌ها و ارائه خدمات، پیامدهای ناخواسته بشمار می‌آید. روستاها تحمیل می‌کند؛ از این رو، در پژوهش حاضر سعی شده است سطح توسعه زیرساختی - خدماتی روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت (استان لرستان) مورد سنجش قرار گیرد.

روش: پژوهش حاضر از نوع کاربردی و توصیفی - تحلیلی است. حجم نمونه شامل ۱۳۱ روستای دارای سکنة محدوده جغرافیایی یادشده است. بر پایه پیشینه ۱۸ شاخص تعیین گردید. از طریق مراجعه به ادارات بخش و تکمیل پرسشنامه توسط افراد کلیدی محلی داده‌ها جمع‌آوری شدند. پس از بی‌مقیاس‌سازی شاخص‌ها، با استفاده از تحلیل عاملی وزن شاخص‌ها به دست آمد و در آن‌ها اعمال شد. در نهایت، شاخص ترکیبی توسعه زیرساختی - خدماتی برای روستاها محاسبه گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد روستاهای عمده مورد بررسی توسعه چندانی ندارند و روستاهای دهستان کوهدشت شمالی نسبت به دهستان - های کوهدشت جنوبی و گل‌گل وضعیت نامطلوب‌تری دارند. همچنین، به ترتیب بین میزان جمعیت و فاصله روستاها از مرکز شهرستان و سطح توسعه همبستگی مثبت و منفی وجود دارد. روستاهای با شرایط طبیعی کوهستانی - جنگلی و ویژگی عشایری از نظر سطح توسعه تفاوت معناداری با سایر روستاهای مورد بررسی دارند.

محدودیت‌ها/ راهبردها: داده‌ها در سطح روستا محدود بوده‌اند و بین اطلاعات نهادهای مختلف ناهماهنگی وجود داشته است.

راهکارهای عملی: بر پایه یافته‌های پژوهش پیشنهاد شد که دهستان کوهدشت شمالی، روستاهای کوهستانی - جنگلی و عشایری، در برنامه‌ریزی‌های توسعه محلی در الویت قرار گیرند.

اصالت و ارزش: دستاوردهای تحقیق راه‌گشای برنامه‌ریزی توسعه محلی و مورد استفاده کارگزاران توسعه روستایی شهرستان شامل بخش‌داری، جهاد کشاورزی و مراکز خدمات روستایی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: توسعه زیرساختی - خدماتی، توسعه روستایی، تحلیل مؤلفه‌های اصلی، شهرستان کوهدشت.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است؛ زیرا، کشورهایی توسعه‌یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر اینکه از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردار هستند، توزیع درآمد‌ها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. در کشورهای توسعه‌نیافته مقادیر این شاخص‌ها پایین است و نیز توزیع آن‌ها بسیار ناعادلانه است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص. ۵۶). نابرابری از ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بخشی و فضایی قابل بررسی است، اما نکته دارای اهمیت در این زمینه آن است که انواع نابرابری‌های یادشده طی فرایندی سیستمی موجب ایجاد بازخورد و تشدید نابرابری در سایر ابعاد می‌گردند. در طول دهه ۱۹۷۰، توجه به نابرابری‌های فضایی در مطالعات جغرافیایی نمایان شد (شکویی، ۱۳۸۲، ص. ۲۷۷). برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده هستند که نابرابری ناحیه‌ای و تحولات آن به‌طور مشخص تحت‌تأثیر سیاست‌های توسعه ملی، میزان رشد شهرنشینی، درجه صنعتی‌شدن و سهم کشاورزی در اقتصاد ملی است (باریوس و استرابل^۱، ۲۰۰۵، ص. ۴). گروهی دیگر، نابرابری را به‌طور سیستمی بررسی نمودند و معتقد هستند که مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی موجب نابرابری ناحیه‌ای شده است. میسرنا هدف توسعه ناحیه‌ای را علاوه بر افزایش رفاه برحسب ارقام کلی، توزیع عادلانه آن بین نواحی مختلف و گروه‌های مردم می‌داند (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۷، ص. ۷۳).

همان‌گونه که توزیع متوازن توسعه بین نواحی گوناگون سرزمین دارای اهمیت است، در مقیاس محلی و در سطح سکونتگاه‌های روستایی نیز مدنظر می‌باشد و در ارتباط تنگاتنگ با توسعه متعادل ناحیه‌ای و ملی قرار دارد. در سطح روستاهای یک منطقه نیز توسعه باید به‌گونه‌ای باشد که تمامی مناطق روستایی را در برگیرد. در صورتی که دستاوردهای توسعه به تمامی مناطق روستایی جریان یابد، می‌توان ادعا نمود که به سطح قابل‌قبولی از توسعه دست یافته‌ایم و در عرصه سرزمین به عدالت فضایی نزدیک شده‌ایم (رهنما و ذبیحی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰).

متأسفانه نواحی روستایی کشور علاوه بر اینکه از نظر سطح توسعه نسبت به سکونتگاه‌های شهری اختلاف زیادی دارند، فاصله و شکاف بین خود آن‌ها نیز درخور تأمل است و نشان‌دهنده افزایش جمعیت روستاهای بزرگ و کاهش آن در روستاهای کوچک است (طالشی و

امیرفخریان، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۸). بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی به دلیل شرایط خاص محیطی، ویژگی‌های بهینه جغرافیایی و مهم‌تر از همه برنامه‌ریزی متمرکز و توزیع نامناسب خدمات و سرمایه‌گذاری‌ها، امکانات بیشتری را جذب کرده‌اند و گاهی تبدیل به شهر و شهرک شده‌اند و برخی در این فرایند جمعیت خود را از دست داده‌اند و خالی از سکنه شده‌اند و یا در شرف تخلیه جمعیت هستند. روستاهای اخیر به دلیل از دست دادن جمعیت در یک چرخه معیوب^۲ قرار گرفته‌اند و به‌خاطر نداشتن آستانه جمعیتی مناسب از تخصیص بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها، امکانات و خدمات محروم می‌مانند؛ از این‌رو، برنامه‌ریزی روستایی در سطح محلی مستلزم شناخت سطح توسعه سکونتگاه‌های روستایی است؛ زیرا، از این رهگذر نابرابری‌های موجود در منطقه شناخته می‌شود و زمینه تخصیص بهینه منابع و امکانات را برای توسعه هماهنگ، یکپارچه و متوازن فراهم می‌آورد.

روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت به‌عنوان محدوده بررسی حاضر که در سه دهستان کوهدشت شمالی، جنوبی و گل‌گل استقرار یافته‌اند، در مجموع ۱۶۵ روستا هستند که از این تعداد ۱۳۵ روستا دارای سکنه می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). بررسی‌های مقدماتی در مورد روستاها و دهستان‌های یادشده نشان‌دهنده توسعه ناموزون زیرساختی - خدماتی است که به‌نظر می‌رسد علاوه بر شرایط طبیعی تا حد زیادی ناشی از عوامل انسانی، کاستی‌های نظام برنامه‌ریزی و شیوه تخصیص منابع و امکانات است. این وضعیت نگارندگان را بر آن داشت تا مسئله را بررسی کنند؛ از این‌رو، در تحقیق حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات محوری هستیم: توسعه زیرساختی - خدماتی روستاها و دهستان‌های موردبررسی در چه سطحی قرار دارد؟ آیا ارتباطی بین سطح توسعه روستاها و دهستان‌های موردبررسی با ویژگی‌هایی چون موقعیت طبیعی، جمعیت، فاصله از مرکز شهرستان و عشایری بودن آن‌ها وجود دارد؟

۲.۱. پیشینه نظری تحقیق

نظریه‌ها و راهبردهای سنتی توسعه عمدتاً تمرکزگرا هستند و یکی از پیامدهای آن‌ها افزایش تمرکز فضایی و در نتیجه، نابرابری ناحیه‌ای در کشورهای در حال توسعه است. فرانسوا پرو^۳ نحوه نگرش به توسعه را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله اول با سرمایه‌گذاری کلان صنعتی در نواحی بزرگ، نابرابری ایجاد می‌شود و در مرحله دوم، با انتشار تدریجی توسعه با سایر نواحی، برابری ایجاد می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۵، ص. ۳). هیرشمن^۴ معتقد بود که

توسعه اقتصادی از طریق زنجیره نبود توازن به وجود می‌آید و سرمایه‌گذاری‌های جدید در نتیجه افزایش بازده فعالیت‌های موجود، انجام می‌شوند؛ در نتیجه، رشد نامتوازن خواهد شد. این تمرکز مکانی با عقب‌ماندگی مناطق دیگر همراه خواهد بود؛ اما در پی آن، آثار نفوذکننده متعددی تصحیح این نبود توازن را تضمین خواهند کرد. میردال بر این باور است که وقتی توسعه اقتصادی به سطح معینی برسد، از تفاوت‌های بین مناطق کاسته خواهد شد (مهندسان مشاور DHV هلند، ۱۳۷۱، ص. ۴۶)؛ اما در عمل تجارب بعدی نشان داد که راهبرد قطب رشد جز در موارد معدود ناموفق بوده است و تاریخ برنامه‌ریزی منطقه‌ای سرشار از مثال‌هایی از شکست یا ترک زود هنگام آن بوده است (پار^۵، ۱۹۹۹، ص. ۱۱۹۶). با وجود تأکید مدافعان این راهبرد بر کاهش نابرابری‌های نواحی در بلندمدت، این یک واقعیت است که در اقتصادهای بزرگ همراه با تنوع جغرافیایی، از نظر منابع پایه و امکانات و نیز نبود انعطاف‌پذیری عوامل تولید، نابرابری‌های ناحیه‌ای افزایش می‌یابد و تشدید آن می‌تواند موجب ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی، کاهش انسجام ملی و رشد ناپایدار گردد (سمرجیت، گورانگا، و میترا^۶، ۲۰۱۰، ص. ۱۰۵۴).

فریدمن^۷ رابطه نابرابر مرکز - پیرامون^۸ را موجب بروز ساختاری قطبی شده می‌داند. به اعتقاد وی، تمرکز شرکت‌های با قدرت رقابت زیاد در مرکز، مزایای اقتصادی آن‌ها را نسبت به رقبای پیرامونی افزایش می‌دهد و این غلبه علاوه بر زمینه‌های اقتصادی، به ابعاد سیاسی و فرهنگی نیز سرایت می‌یابد (دابروسکا و لوکومسکا^۹، ۲۰۱۱، ص. ۱۳۵)؛ اما افزایش فشارهای سیاسی برای تغییر جریان سنتی رشد صنایع در مرکز و کمک‌ها به بالابردن درآمد سرانه در حاشیه تا سطحی برابر با بقیه مناطق، منجر به کاهش فاصله آن‌ها خواهد شد (هیلپهورست، ۱۳۷۰، ص. ۲۶)؛ اما این نقد بر نظر وی وارد است که تمرکز اجتماعی قدرت الزاماً به تمرکز فضایی منتهی نمی‌شود و توزیع قدرت ضرورتاً با پیدایش و توسعه اقتصادی یکپارچه و هماهنگ فضایی همراه نیست (سعیدی، ۱۳۷۷، ص. ۱۴۲).

ناکامی راهبردهای سنتی توسعه از بعد کاهش نابرابری و توسعه متوازن منطقه‌ای موجب شد که از دهه ۱۹۷۰ به بعد الویت توسعه به برآوردن نیازهای اساسی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی نواحی، دسترسی بیشتر اقشار محروم به خدمات دولتی و جلب مشارکت بیشتر مردم در فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تغییر یابد و دولت‌ها بیش از پیش سیاست‌های رشد همراه با برابری^{۱۰} را اتخاذ

نمایند (شایبیرچیمبا و راندینلی^{۱۱}، ۱۹۸۳، ص. ۶). در این راستا، راهبردهای متعددی چون توسعه یکپارچه، توسعه مشارکتی، توسعه از پایین به بالا و ... مطرح شد؛ از جمله میسرا سعی کرد با ارائه مدلی سلسله‌مراتبی، الگویی متناسب با توسعه روستایی کشورهای جهان سوم ارائه دهد. در این مدل، او یک سلسله‌مراتب پنج مرحله‌ای شامل روستای مرکزی در سطح محلی، مراکز خدمات در سطح مناطق خرد، نقاط رشد در سطح مناطق میانی، مراکز رشد در سطح منطقه‌ای و قطب‌های رشد در سطح ملی را پیشنهاد داد. برخی از این الگوها به‌ویژه در حوزه توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به اجرا گذاشته شد (میسرا^{۱۲}، ۱۹۷۸، ص. ۳۱)؛ اما الگوی متمرکز و ناهماهنگ نظام برنامه‌ریزی و اجرا در کشورهای یادشده موجب شد تا نابرابری‌های فضایی و ناحیه‌ای همچنان به - عنوان یک معضل توسعه مطرح باشند.

مروری بر بررسی‌های انجام‌شده نیز تاحدزیادی صحت مطالب ذکرشده در بالا را تأیید می‌کند و نشانگر نابرابری‌های ناحیه‌ای از بعد توسعه روستایی است. ابراهیمی نورعلی (۱۳۷۴) توسعه روستاهای شهرستانهای استان لرستان را در سه مقطع زمانی ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ اندازه‌گیری نموده است. نتایج بررسی وی نشان داد که از لحاظ بسیاری از خدمات و امکانات، روستاهای شهرستان خرم‌آباد برخوردارترین و روستاهای شهرستان نورآباد محروم‌ترین روستاهای استان می‌باشند. کلاتری، ایروانی و وفایی‌نژاد (۱۳۸۲) سطح توسعه‌یافتگی روستایی شهرستان تربت‌حیدریه را در سه مقطع زمانی ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹ بررسی نمودند و دریافتند که ۲۴/۷٪ از روستاهای شهرستان نسبتاً توسعه‌یافته، ۳۹/۳۲٪ در حال توسعه و ۳۵/۹۴٪ محروم هستند. همچنین، نابرابری مناطق روستایی در طول دوره یادشده کاهش یافته است. رضوانی (۱۳۸۵) در تحلیل سطح برخورداری دهستان‌های استان زنجان به این نتیجه رسید که بین دهستان‌های استان تفاوت زیادی وجود دارد. همچنین، امکانات محیطی، مجاورت با مراکز شهری، کانون‌ها و محورهای توسعه، محدوده‌های صنعتی و شبکه‌های زیربنایی عمده، نقش مؤثری در سطح برخورداری نواحی روستایی استان دارند. نتایج بررسی امینی‌نژاد، بیک‌محمدی و حسینی‌بری (۱۳۸۷) در مورد سطح توسعه دهستان‌های حوزه تأسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر بر پایه ۶۵ شاخص اقتصادی و اجتماعی، نشان داد که ۱۵/۴٪ از دهستان‌ها در گروه دهستان‌های برخوردار، ۳۸/۵٪ در گروه

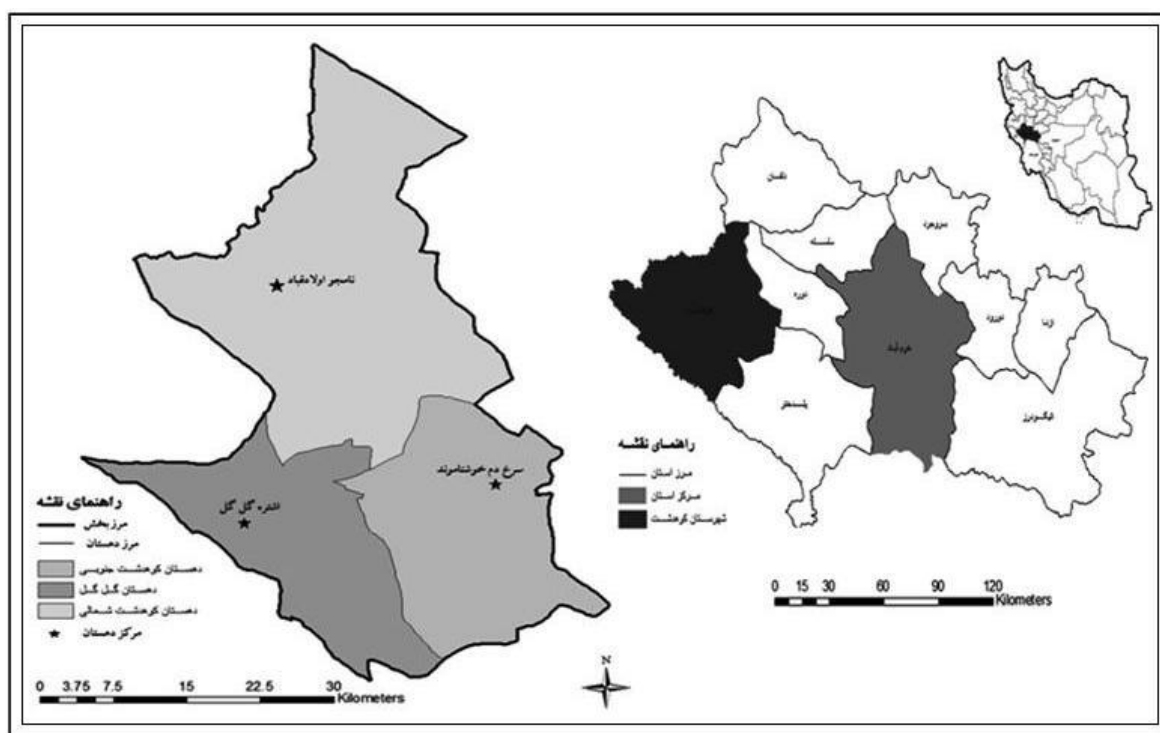
وضعیت روستاهای دهستان‌های یادشده در ابعاد گوناگون طبیعی- انسانی بسیار متفاوت است. آبادی‌های عمده کوهدشت شمالی با مرکز شهرستان فاصله زیادی دارند (گاهی بیش از ۵۰ کیلومتر) و صعب‌العبور، پراکنده و کم‌جمعیت هستند؛ به‌گونه‌ای که جمعیت روستایی کوهدشت شمالی با ۷۶ روستا ۷۱۸۶ نفر، کوهدشت جنوبی با ۵۴ روستا ۱۶۹۲۸ نفر و گل‌گل با ۳۵ روستا ۱۲۱۵۰ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

دهستان‌های نیمه‌برخوردار و ۴۶/۱٪ در گروه دهستان‌های محروم طبقه‌بندی شده‌اند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

بخش مرکزی شهرستان کوهدشت دارای سه دهستان کوهدشت جنوبی، کوهدشت شمالی و گل‌گل است و مرکز آن شهر کوهدشت می‌باشد. این دهستان‌ها در مجموع ۱۶۵ روستا هستند که از این تعداد ۱۳۵ روستا دارای سکنه و بقیه خالی از سکنه می‌باشند.



شکل ۱- موقعیت دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کوهدشت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

تعیین گردید (جدول ۱). برای به‌دست‌آوردن داده‌های موردنیاز از اطلاعات اولیه و ثانویه بهره گرفته شده است. اطلاعات اولیه با مراجعه مستقیم به روستاها و تهیه پرسشنامه روستا به‌دست آمده‌اند. این پرسشنامه توسط مسؤولان و معتمدان روستا و اعضای شوراهای روستایی و دهیاری‌ها تکمیل گردیده است. اطلاعات ثانویه نیز از طریق مراجعه به بخشداری، شبکه بهداشت و سایر مراجع مرتبط جمع‌آوری شده‌اند. از آنجایی که شاخص‌های تهیه‌شده از نظر واحد اندازه‌گیری و مقیاس متفاوت هستند، آن‌ها را با استفاده از روش تقسیم بر میانگین رفع

۲.۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری همه روستاهای دارای سکنه بخش مرکزی شهرستان کوهدشت است که براساس یافته‌های میدانی ۱۳۱ روستا می‌باشد و جمعیت آن برابر با ۳۹۴۰۹ نفر است. لازم است ذکر شود که نمونه‌گیری انجام نشده است و همه روستاهای جامعه آماری به شیوه تمام‌شماری در تحقیق قرار گرفته‌اند. برای تعیین سطح توسعه زیرساختی - خدماتی روستاهای موردبررسی، برپایه پیشینه تحقیق ۱۸ شاخص

اختلاف مقیاس نموده‌ایم (کلانتری، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۰). با توجه به اینکه هریک از شاخص‌ها دارای وزن و اهمیت متفاوتی هستند که بایستی در استخراج شاخص ترکیبی مدنظر قرار

جدول ۱- شاخص‌های ارزیابی توسعه زیرساختی - خدماتی روستاهای موردبررسی و وزن آن‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

۱- نسبت واحدهای مسکونی به تعداد خانوار (۰/۰۸۲)؛ ۲- درصد منازل با مصالح مدرن و مقاوم (۰/۶۴۶)؛ ۳- سرانه مسکن روستایی - متر مربع (۰/۰۹۹)؛ ۴- درصد منازل دارای حمام بهداشتی (۰/۶۹۷)؛ ۵- درصد راه‌های آسفالت روستا به راه‌های روستا (۰/۷۶۳)؛ ۶- درصد واحدهای مسکونی دارای برق (۰/۶۴)؛ ۷- درصد واحدهای مسکونی دارای تلفن (۰/۷۲۹)؛ ۸- درصد واحدهای مسکونی دارای آب لوله‌کشی (۰/۷۷۳)؛ ۹- درصد مشترکین برق صنعتی به کل مشترکین (۰/۳۳۴)؛ ۱۰- درصد منازل دارای گاز طبیعی (۰/۰۵۶)؛ ۱۱- نسبت وسایل نقلیه عمومی به خانوار (۰/۳۵)؛ ۱۲- برخورداری از خدمات عمومی (نانوایی، فروشگاه، قهوه‌خانه، مسافرخانه، غذاخوری) به ازای هر ۱۰۰ نفر (۰/۳۹۲)؛ ۱۳- برخورداری از تأسیسات عمومی (سالن ورزشی، جایگاه توزیع سوخت، پارکینگ، مؤسسه مسافری، انبار غله، غسالخانه) به ازای هر ۱۰۰ نفر (۰/۴۹۸)؛ ۱۴- سرانه فضای آموزشی (۰/۳۵۱)؛ ۱۵- برخورداری از خدمات بهداشتی- درمانی روستایی (درمانگاه روستایی، خانه بهداشت، داروخانه) به ازای هر ۱۰۰ نفر (۰/۴۶۴)؛ ۱۶- برخورداری از خدمات اداری- سیاسی (دهیاری، پاسگاه، شورا، پست، بیمه، بانک، دفتر ICT) به ازای هر ۱۰۰ نفر (۰/۲۴۸)؛ ۱۷- برخورداری از خدمات اجتماعی- اقتصادی (مسجد، کتابخانه عمومی، شرکت تعاونی، پایگاه مقاومت بسیج، شرکت خدمات مشاوره‌ای کشاورزی روستایی) به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت (۰/۳۲)؛ ۱۸- برخورداری از واحدهای اشتغال‌زا شامل کارگاه گلیم‌بافی، کارگاه فرش‌بافی، سالن مرغداری، واحد صنعتی پرورش گوسفند، گاوداری صنعتی، فروشگاه نهاده‌های کشاورزی به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت (۰/۳۰۵).

براین اساس، با بهره‌گیری و لحاظ نمودن بردار اولین عامل اصلی^{۱۳} وزن هریک از شاخص‌ها محاسبه گردید و در آن اعمال شده است. این فرایند در قالب فرمول (۱) انجام گرفته است:

$$C_i = \sum_{i=1}^n \frac{X_{ij}}{x_i} \times W_i \quad (1)$$

C_i : شاخص ترکیبی

X_{ij} : مقدار متغیر مربوط به منطقه (روستای j)

\bar{x}_i : میانگین شاخص i

W_i : وزن شاخص i حاصل از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی - بردار اولین عامل (کلانتری، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۹).

در این روش، هرچه مقدار شاخص به دست آمده بیشتر باشد، نشانگر توسعه یافتگی بالاتر می‌باشد و برعکس. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آماره‌های میانگین، انحراف معیار، واریانس، ضریب تغییرات^{۱۴} و در سطح تحلیل از ضریب همبستگی، تحلیل واریانس^{۱۵}، آزمون توکی^{۱۶} و آزمون t مستقل در چارچوب قابلیت‌های نرم‌افزارهای Excel و SPSS استفاده شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

محاسبه شاخص ترکیبی توسعه زیرساختی - خدماتی برای روستاهای موردبررسی نشان می‌دهد که روستاهای کوردشت علیا، نامجو، باباقلی، شهرک امام خمینی و آب‌باریکی به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم را به دست آورده‌اند. این روستاها عمدتاً پرجمعیت هستند. از نظر فاصله با مرکز شهرستان نیز روستاهای باباقلی، شهرک امام خمینی و آب‌باریکی فاصله‌ای کمتر از ۵ کیلومتر با شهرستان کوه‌دشت دارند. به نظر می‌رسد دو عامل یادشده، در بالابودن سطح توسعه این روستاها مؤثر بوده است. در مقابل، روستاهای بادره علیا، غلامعلی، بانه، بادره سفلی و باباقلی کمترین مقدار شاخص ترکیبی زیرساختی - خدماتی را داشته‌اند. این روستاها به دلیل دوری از مرکز شهرستان کوه‌دشت، ساختار عشایری و جمعیت اندک سطح توسعه پایینی دارند. ضریب تغییرات حاصل (۰/۵۷) نیز نشانگر آن است که از نظر سطح توسعه زیرساختی - خدماتی در مجموع

اختلاف و فاصله چندانی بین روستاهای مورد بررسی وجود ندارد (جدول ۲).
با در نظر گرفتن میانگین شاخص ترکیبی توسعه که برابر با ۸/۱۳ است، می‌توان گفت که به جز روستاهای معدودی با سطح توسعه بالا، بیشتر روستاهای مورد بررسی از بعد شاخص‌های ارزیابی شده توسعه چندانی نیافته‌اند. روستاهای مورد مطالعه از نظر توسعه زیرساختی - خدماتی به چهار گروه روستاهای برخوردار، نسبتاً برخوردار، محروم و بسیار محروم

طبقه‌بندی شده‌اند. برای تعیین فاصله طبقات، دامنه تغییرات شاخص ترکیبی بر تعداد طبقات تقسیم شده است. از مجموع ۱۳۱ روستای بخش مرکزی حدود ۲۶٪ از روستاها در گروه روستاهای برخوردار و نسبتاً برخوردار قرار می‌گیرند.

جدول ۲- سطح توسعه زیرساختی - خدماتی روستاهای مورد مطالعه^{۱۷}

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

رتبه	روستاها	شاخص ترکیبی	رتبه	روستاها	شاخص ترکیبی
۱	کوردشت علیا	۲۱/۲۹	۱۲۲	سی‌گر عظیم‌خان	۱/۴۱
۲	نامجو	۲۰/۹۸	۱۲۳	خاص مراد	۱/۳۷
۳	باباقلی	۱۸/۱۹	۱۲۴	پشت کیو وره زرد	۱/۳۴
۴	شهرک امام خمینی	۱۷/۶۸	۱۲۵	چال بردین	۰/۹۸
۵	آب‌باریکی	۱۷/۶۳	۱۲۶	پشت کیوبادام	۰/۹۴
۶	سرخ دم خوشناموند	۱۶/۸۶	۱۲۷	باباعلی	۰/۶۹
۷	اکبرآباد	۱۶/۳۰	۱۲۸	بادره سفلی	۰/۶۸
۸	شیخ عالی	۱۶/۱۶	۱۲۹	بانه	۰/۶۵
۹	چهارقلعه وسطی	۱۵/۳۲	۱۳۰	غلامعلی	۰/۶۴
۱۰	چهرقرعلیوند	۱۴/۹۵	۱۳۱	بادره علیا	۰/۶۳
میانگین: ۸/۱۳			واریانس: ۲۱/۲۴		
انحراف معیار: ۴/۶۱			ضریب تغییرات: ۰/۵۷		

جدول ۳- سطح توسعه زیرساختی - خدماتی روستاهای مورد بررسی به تفکیک دهستان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

سطح توسعه روستاها	مقدار شاخص ترکیبی	گل‌گل		کوهدشت جنوبی		کوهدشت شمالی		بخش مرکزی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
برخوردار	۱۶/۵-۲۲	۰	۰	۴	۹/۰۹	۲	۳/۴۵	۶	۴/۵۸
نسبتاً برخوردار	۱۱-۱۶/۵	۱۰	۳۴/۴۸	۱۱	۲۵	۷	۱۲/۰۷	۲۸	۲۱/۳۷
محروم	۵/۵-۱۱	۱۷	۵۸/۶۲	۲۵	۵۶/۸۲	۱۴	۲۴/۱۴	۵۶	۴۲/۷۵
خیلی محروم	۰-۵/۵	۲	۶/۹۰	۴	۹/۰۹	۳۵	۶۰/۳۴	۴۱	۳۱/۳۰
جمع	-	۲۹	۱۰۰	۴۴	۱۰۰	۵۸	۱۰۰	۱۳۱	۱۰۰

رقم یاد شده برای دهستان کوهدشت جنوبی، گل‌گل و کوهدشت شمالی به ترتیب ۳۵٪، ۳۴/۵٪ و ۱۵/۵٪ است که نشانگر وضعیت نامساعد روستاهای دهستان کوهدشت شمالی نسبت به دو دهستان دیگر است. علاوه بر این، بیش از ۶۰٪ از روستاهای دهستان کوهدشت شمالی در زمره روستاهای

خیلی محروم قرار دارند؛ در صورتی که این رقم برای دهستان گل‌گل حدود ۷٪ است (جدول ۳).
می‌توان نتیجه گرفت که روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت توسعه زیرساختی - خدماتی متوازن و متعادل ندارند. دهستان کوهدشت جنوبی با داشتن ۴۴ آبادی

(۲۴ روستا)، دشتی - کوهستانی (۱۹ روستا) و کوهستانی - جنگلی (۵۲ روستا) تقسیم می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت استقرار روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت، در سطح توسعه زیرساختی - خدماتی آن‌ها تأثیرگذار بوده است. مقدار F یا واریانس به دست آمده برابر با $۸/۷۹۱$ است و سطح معناداری تفاوت بین گروه‌ها کمتر از $۰/۰۰۱$ است که نشانگر آن است که از نظر موقعیت طبیعی اختلاف سطح توسعه زیرساختی - خدماتی روستاهای مورد بررسی در سطح اطمینان ۹۹% معنادار است. برای مقایسه نقش موقعیت‌های گوناگون طبیعی در سطح توسعه روستاها از آزمون توکی استفاده گردید. نتیجه آزمون نشان می‌دهد که بین روستاهای کوهستانی - جنگلی و سایر روستاها در سطح اطمینان ۹۹% تفاوت معنادار وجود دارد (جدول ۵).

با توجه به اینکه روستاهای یادشده ۵۲ روستای مورد بررسی هستند، به نظر می‌رسد که محدودیت‌های ناشی از موقعیت کوهستانی و جنگلی مانعی درخور توجهی در توسعه زیرساختی - خدماتی این گروه از روستاها بوده است. در مقابل، روستاهای دشتی و دشتی - جنگلی شرایط بهتری دارند. این روستاها تقریباً شامل ۴۰% از مجموع روستاهای مورد مطالعه می‌شوند و عمدتاً در دهستان‌های کوهدشت جنوبی و گل‌گل واقع شده‌اند.

جدول ۵- تأثیر موقعیت طبیعی سکونتگاه بر سطح توسعه با

آزمون توکی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

سطح توسعه زیرساختی - خدماتی					شرح موقعیت
کوهستانی	دشتی - کوهستانی	دشتی - جنگلی	کوهستانی	دشتی	
۰/۰۰۰**	۰/۹۹۴	۰/۹۰۹	۰/۱۰۳		دشتی
۰/۹۹۲	۰/۲۴۰	۰/۳۵۵		۰/۱۰۳	کوهستانی
۰/۰۰۳**	۰/۹۹۵		۰/۳۵۵	۰/۹۰۹	دشتی - جنگلی
۰/۰۰۲**		۰/۹۹۵	۰/۲۴۰	۰/۹۹۴	دشتی کوهستانی
	۰/۰۰۲**	۰/۰۰۳**	۰/۹۹۲	۰/۰۰۰**	کوهستانی - جنگلی

یکی از مؤلفه‌های مورد نظر در این پژوهش فاصله از مرکز شهرستان و ارتباط آن با سطح توسعه زیرساختی - خدماتی روستاهای محدوده مورد بررسی است. میانگین فاصله روستاها

و جمعیتی حدود ۱۸۹۶۴ نفر نسبت به دو دهستان دیگر از وضعیت بهتری برخوردار است. دهستان گل‌گل با ۲۹ آبادی و جمعیتی برابر با ۱۲۳۹۰ نفر در مرتبه دوم و دهستان کوهدشت شمالی با ۵۸ آبادی و جمعیت ۸۰۵۵ نفر در جایگاه سوم قرار دارد.

برای بررسی تفاوت سه دهستان ذکر شده از بعد توسعه زیرساختی - خدماتی، از تحلیل واریانس استفاده شده است. نتیجه آزمون نشان می‌دهد که مقدار F یا واریانس به دست آمده برابر با $۱۲/۹۵۳$ است و سطح معناداری تفاوت بین گروه‌ها کمتر از $۰/۰۰۱$ است و مؤید آن است که اختلاف بین دهستان‌های مورد بررسی از نظر سطح توسعه زیرساختی - خدماتی در سطح اطمینان ۹۹% معنادار است. برای درک نابرابری‌های دهستان‌های مورد مطالعه و دریافت این نکته که اختلاف واقعی بین کدام دهستان‌ها وجود دارد، از طریق آزمون توکی آن‌ها با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که دو دهستان کوهدشت جنوبی و گل‌گل از نظر شاخص‌های مورد بررسی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند؛ در حالی که بین دهستان کوهدشت شمالی و دو دهستان دیگر تفاوت معنادار با اطمینان ۹۹% مشاهده می‌شود؛ به این ترتیب، یافته‌های توصیفی پژوهش در خصوص وضعیت توسعه روستاهای دهستان‌های مورد بررسی تأیید گردید (جدول ۴).

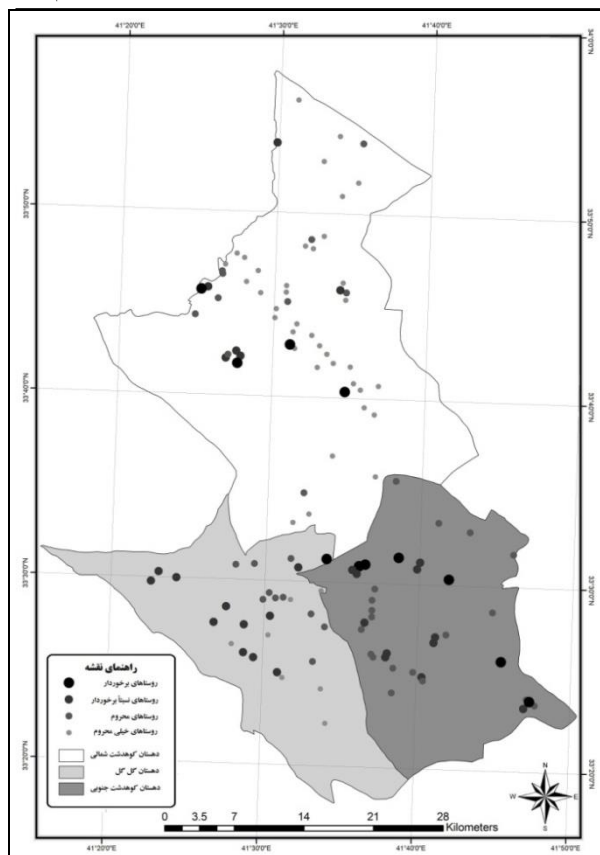
جدول ۴- تفاوت سطح توسعه دهستان‌های مورد بررسی با

آزمون توکی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

دهستان	سطح توسعه زیرساختی - خدماتی		
	کوهدشت جنوبی	گل‌گل	کوهدشت شمالی
کوهدشت جنوبی		۰/۷۴۸	۰/۰۰۰**
گل‌گل	۰/۷۴۸		۰/۰۰۲**
کوهدشت شمالی	۰/۰۰۰**	۰/۰۰۲**	

یکی از اهداف پژوهش این بود که تأثیر مؤلفه‌های مکانی - فضایی را در بروز وضعیت توسعه زیرساختی - خدماتی محدوده مورد بررسی مشخص نماید. در این راستا، موقعیت و محل استقرار روستاها به عنوان یک مؤلفه تأثیرگذار طبیعی بررسی شد. روستاهای مورد مطالعه از نظر نوع استقرار به پنج گروه دشتی (۲۸ روستا)، کوهستانی (۸ روستا)، دشتی - جنگلی



شکل ۲- سطح توسعه روستاهای بخش مرکزی شهرستان کوهدشت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

از آنجایی که بسیاری از روستاهای مورد مطالعه دارای ساختار عشایری هستند، با استفاده از آزمون t مستقل اختلاف سطح توسعه، بین روستاهای عشایری و غیرعشایری بررسی گردید. نتیجه آزمون (مقدار $t = ۳/۸۷۸$ ، درجه آزادی = ۱۲۹، سطح معناداری = ۰/۰۰۱) نشانگر آن است که از نظر توسعه زیرساختی- خدماتی اختلاف بین سطح توسعه روستاهای مورد بررسی با ضریب اطمینان ۹۹٪ معنادار است و تفاوت بین آن‌ها ناشی از تصادف نیست؛ این بدان معنی است که ساختار عشایری روستاها در توسعه نیافتن آن‌ها نقش داشته است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به سهم درخور توجه توسعه زیرساخت‌ها و خدمات ضروری در توسعه کلی روستاها و پایداری جمعیتی آن‌ها، پژوهش حاضر می‌تواند از رهگذر شناخت سطح توسعه ابعاد یادشده کمک قابل ملاحظه‌ای به برنامه‌ریزی توسعه روستایی در محدوده بررسی کند. با این توضیح، نتایج حاکی از آن است که ضریب تغییرات

با شهر کوهدشت ۲۷/۲۶ کیلومتر می‌باشد. نزدیک‌ترین روستا در فاصله یک کیلومتری و دورترین روستا در فاصله ۷۰ کیلومتری شهر کوهدشت واقع شده است. برای بررسی چگونگی و میزان ارتباط بین سطح توسعه زیرساختی- خدماتی روستاها و فاصله آن‌ها از شهر کوهدشت، از ضریب همبستگی پیرسون^{۱۸} استفاده شده است. نتایج این آزمون نشانگر وجود همبستگی منفی و معنادار با شدت ۰/۴۵۷- و سطح اطمینان ۹۹٪ می‌باشد؛ یعنی روستاهایی که از لحاظ مسافت به شهر کوهدشت نزدیک‌تر هستند، فرصت‌های بیشتری دارند تا از امکانات و خدمات توسعه‌یافته روستاهای بهره‌مند شوند و روستاهای کمتر توسعه‌یافته روستاهای هستند که فاصله آن‌ها از شهر کوهدشت زیاد است. در بین روستاهای مورد بررسی، بیشترین فاصله مربوط به روستاهای دهستان کوهدشت شمالی است. میانگین فاصله این روستاها با مرکز شهرستان حدود ۴۴/۵ کیلومتر است. این رقم برای روستاهای دهستان کوهدشت جنوبی و گل‌گل به ترتیب حدود ۱۸ و ۱۰/۵ کیلومتر است.

نتیجه آزمون مشابه بین اندازه جمعیتی روستاهای مورد بررسی و سطح توسعه زیرساختی- خدماتی آن‌ها گویای آن است که بین دو متغیر یادشده همبستگی مثبت و معنادار با شدت ۰/۴۹۹ و در سطح اطمینان ۹۹٪ برقرار است؛ به این معنا که هرچه روستاها پرجمعیت‌تر باشند، سطح توسعه زیرساختی- خدماتی آن‌ها بیشتر است. سکونتگاه‌های پرجمعیت به دلیل آستانه جمعیتی بیشتر امکانات زیرساختی و خدمات بیشتری را جذب نموده‌اند. این وضعیت به نوبه خود نادرستی راهبردهای بالا به پایین و برنامه‌ریزی‌های متمرکز را یادآور می‌شود و بر توزیع متوازن امکانات و خدمات در سطوح محلی و ناحیه‌ای صحنه می‌گذارد.

با توجه به نتایج پژوهش که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره شد، برای توسعه زیرساختی - خدماتی مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان کوهدشت پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

➤ از بارزترین ویژگی‌های روستاهای محروم این بخش به‌ویژه دهستان کوهدشت شمالی پراکندگی بیش از حد نقاط روستایی و جمعیت اندک است؛ به‌گونه‌ای که بعضی از روستاها کمتر از ۵ خانوار جمعیت دارند؛ از این رو، ضروری به نظر می‌رسد که در چارچوب طرح‌های هادی و سامان‌دهی بهینه نقاط روستایی در قالب سلسله‌مراتب نظام سکونتگاهی و اتخاذ الگوی مناسب خدمات‌رسانی، زمینه توسعه هماهنگ و متوازن روستاهای منطقه فراهم گردد؛

➤ توزیع متوازن امکانات، سرمایه‌گذاری‌ها و خدمات در بین روستاهای منطقه با رعایت عواملی نظیر سطح کارکردی، جمعیت، مرکزیت، شبکه ارتباطی، ظرفیت‌های تولیدی و ... برای پرهیز از رشد بیش از حد برخی از روستاها و تخلیه برخی دیگر؛

➤ با توجه به سطح توسعه اندک روستاهای دهستان کوهدشت شمالی توصیه می‌گردد که این دهستان از نظر برنامه‌ریزی و اقدام و نیز سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی - خدماتی در الویت قرار گیرد؛

➤ با توجه به اینکه برخی از روستاهای منطقه ماهیتی عشایری و جمعیت فصلی دارند، در برنامه‌ریزی توسعه محلی بایستی به شرایط و مقتضیات خاص این‌گونه روستاها توجه شود.

یادداشت‌ها

1. Barrios & Strobl
2. Vicious Circle
3. Perroux
4. Hirschman
5. Parr
6. Samarjit, Gouranga, & Mitra
7. John Friedman
8. Core- priphery
9. Dabrowska & Lukomska
10. Growth with equity policies
11. Shabbir Cheema & Rondinelli
12. Misra
13. First principal component
14. C.V: Coefficient of Variation
15. Variance analysis
16. Tukey HSD

۱۷. به دلیل زیادبودن تعداد روستاها، ۱۰ روستای دارای بیشترین و ۱۰

روستای دارای کمترین سطح توسعه در جدول آورده شد.

18. Pearson correlation

شاخص ترکیبی توسعه برابر با ۰/۵۷ بوده و نشانگر آن است که از نظر سطح توسعه زیرساختی - خدماتی، در مجموع اختلاف و فاصله چندانی بین روستاها در سه دهستان مورد بررسی وجود ندارد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین شاخص ترکیبی توسعه که برابر با ۸/۱۳ است، می‌توان قضاوت کرد که به استثنای روستاهای معدودی با سطح توسعه بالا (معرفی شده در جدول ۲)، روستاهای عمده مورد بررسی توسعه چندانی نداشتند. از مجموع ۱۳۱ روستای بخش مرکزی، حدود ۲۶٪ از روستاها در گروه روستاهای برخوردار و نسبتاً برخوردار قرار می‌گیرند؛ در حالی که این رقم برای دهستان کوهدشت شمالی ۱۵/۵٪ است که نشانگر وضعیت نامساعد روستاهای این دهستان نسبت به دو دهستان دیگر است. همچنین، بیش از ۶۰٪ از روستاهای دهستان ذکر شده در زمره روستاهای خیلی محروم قرار دارند.

نتایج تحلیل واریانس نیز معناداری (کمتر از ۰/۰۰۱) تفاوت سطح توسعه روستاهای سه دهستان یاد شده را تأیید می‌کند و آزمون توکی نیز گویای این واقعیت است که اختلاف واقعی و معنادار (کمتر از ۰/۰۰۱) بین کوهدشت شمالی و دو دهستان دیگر وجود دارد. همچنین، موقعیت استقرار طبیعی روستاها در سطح توسعه آن‌ها تأثیرگذار است (معناداری کمتر از ۰/۰۰۱) و نتایج آزمون توکی نیز مؤید آن است که اختلاف واقعی روستاهای مورد بررسی از نظر سطح توسعه، در مورد روستاهای کوهستانی - جنگلی با سایر روستاها مصداق دارد. نتیجه ضریب همبستگی پیرسون در مورد ارتباط سطح توسعه روستاها و فاصله آن‌ها از شهر کوهدشت نشانگر وجود همبستگی منفی و معنادار با شدت ۰/۴۵۷ - و سطح اطمینان ۹۹٪ است. به عبارت دیگر، هرچه فاصله به مرکز شهرستان بیشتر باشد، سطح توسعه روستاها کمتر خواهد بود. آزمون ذکر شده در مورد ارتباط اندازه جمعیتی روستاها و سطح توسعه زیرساختی - خدماتی آن‌ها نیز گویای آن است که بین دو متغیر، همبستگی مثبت و معنادار با شدت ۰/۴۹۹ و در سطح اطمینان ۹۹٪ برقرار می‌باشد؛ به این معنا که هرچه روستاها پرجمعیت‌تر باشند، سطح توسعه آن‌ها بیشتر است. همچنین، مشخص شد که بین روستاهای عشایری و غیرعشایری از نظر سطح توسعه زیرساختی - خدماتی تفاوت معنادار وجود دارد.

کتابنامه

۱. ابراهیمی نورعلی، ع. (۱۳۷۴). تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان لرستان (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
 ۲. امینی‌نژاد، غ.، بیک‌محمدی، ح.، و حسینی‌ابری، س. ح. (۱۳۸۷). تحلیل درجه توسعه‌یافتگی دهستان‌های حوزه تأسیسات پارس جنوبی در استان بوشهر. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱(۳)، ۱۷۲-۱۴۳.
 ۳. حسین‌زاده دلیر، ک. (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. تهران: انتشارات سمت.
 ۴. رضوانی، م. ر. (۱۳۸۵). تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۶(۵۰)، ۸۶-۷۵.
 ۵. رهنما، م. ر. و ذبیحی، ج. (۱۳۹۰). تحلیل توزیع تسهیلات عمومی شهری در راستای عدالت فضایی با مدل یکپارچه دسترسی در مشهد. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۹(۲۳)، ۲۶-۵.
 ۶. سعیدی، ع. (۱۳۷۷). مبانی جغرافیای روستایی. تهران: انتشارات سمت.
 ۷. شکویی، ح. (۱۳۸۲). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا - فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی (جلد دوم). تهران: انتشارات گیتاشناسی.
 ۸. طالشی، م.، و امیرفخریان، م. (۱۳۹۱). کاربرد الگوهای کمی تحلیل فضایی جمعیت در آمایش سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۳(۴)، ۱۲۸-۱۰۵.
 ۹. کلانتری، خ. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای. تهران: انتشارات خوشبین.
 ۱۰. کلانتری، خ.، ایروانی، ه.، و وفایی‌نژاد، ش. م. (۱۳۸۲). سنجش سطح توسعه روستایی در شهرستان تربت حیدریه ۷۹-۱۳۶۵. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۵(۴۴)، ۵۴-۴۱.
 ۱۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵، شناسنامه آبادی‌های استان لرستان. بازیابی در ۲۷ خرداد ۱۳۹۰ از <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1042>
 ۱۲. مصلی‌نژاد، غ. ع. (۱۳۸۴). دولت و توسعه اقتصادی در ایران. تهران: انتشارات قومس.
 ۱۳. مهندسان مشاور DHV هلند. (۱۳۷۱). رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی. تهران: انتشارات روستا و توسعه.
 ۱۴. هیلهورست، ژ. (۱۳۷۰). برنامه‌ریزی منطقه‌ای - برداشت سیستمی. تهران: انتشارات سازمان برنامه‌وبودجه.
15. Barrios, S., & Strobl, E. (2005). The dynamics of regional inequalities. *Regional Science and Urban Economics*, 39(5), 575-591.
 16. Dabrowska, A., & Lukomska, J. (2011). Sub regional growth poles in the competition for development factors. *Journal of Miscellanea Geographica*, 15(2), 133-151
 17. Misra, R. P. (1978). *Regional Planning in Iran: Problems and Prospects*. New Delhi: Vikas Publishing House.
 18. Parr, J. B. (1999). Growth-pole strategies in regional economic planning: A retrospective view: Part 1. Origins and advocacy. *Journal of Urban Studies*, 36(7), 1195- 1215
 19. Samarjit, D., Gouranga, S., & Mitra, T. K. (2010). Regional convergence of growth, inequality and poverty in India-An empirical study. *Journal of Economic Modeling*, 27(5), 1054-1060
 20. Shabbir Cheema, G., & Rondinelli, D. A. (1983). *Implementing Decentralization Programmes in Asia-Local Capacity for Rural Development*. United Nations Centre for Regional Development (UNCRD), Nagoya, Japan.

An Analysis of Infrastructure – Services’ Development Level in Rural Settlements of Central District of Koohdasht County

Jaffar Tavakkoli^{*1}, Aliasghar Mirakzadeh², Morad Ebrahimi³

1-Assistant Prof. in Geography and Rural Planning, Razi University, Kermanshah, Iran

2-Assistant Prof. of extension and rural development, Razi University, Kermanshah, Iran

3- MSc. in Geography and Rural Planning, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 20 Jan 2014 Accepted: 10 Apr 2014

Abstract:

Purpose: Development inequalities in rural regions, especially in regard to infrastructures and delivery services impose numerous undesired consequences over towns and villages. Hence this research attempted to assess the infrastructure – services development level of villages in central district of Koohdasht county (Lorestan province).

Methodology: The research is an applied and descriptive- analytical study. The sample size consists of 131 inhabited villages of mentioned area. On the basis of literature review 18 indicators were defined. Data gathered via referring to district offices and also completing rural questionnaire by local key informants. After releasing indicators from various scales with dividing by average and weighting to them on the basis of factor analysis the infrastructure - services development level composite indicator (CI) was determined.

Finding: Results indicate that the most of investigated villages aren't so much privileged in terms of development level and villages of North Koohdasht in compare with South Koohdasht and GolGol sub districts are in the worst condition. Furthermore, there is a positive and negative correlation between the villages' development level and their population size and distance from county center respectively. Moreover, villages with mountainous-forestial natural condition and nomadic characteristics have significant differences with other investigated villages.

Research limitation: Data was limited at the rural level and there were contradictions between data obtained from different offices.

Practical implications: On the basis of results it's recommended that mountainous- forestial, nomadic villages and also North Koohdasht's rural settlements put in the priority in regard to local planning programs.

Original/value: Research achievements facilitate local development planning and can be used by county's rural development agents such as district's officers, ministry of Jihad-e-Keshavarzi and rural services centers.

Key words: Infrastructure – services development, rural development, first principal component, Koohdasht County.

How to cite this article:

Tavakkoli, J., Mirakzadeh, A. A. & Ebrahimi, M. (2014). An analysis of infrastructure – services' development level in rural settlements of Central District of Koohdasht County. *Journal of Research & Rural Planning*, 3(7), 75-84.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/31193>

ISSN: 2322-2514 eISSN: 2383-2495